

اثر باز بودن بخش خدمات بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

دکتر مجید صباغ کرمانی*

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، تهران

دکتر کاظم یآوری**

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، تهران

مهدی باسحا***

دانشجوی دکترای اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۶/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۵/۲۰

چکیده

بخش خدمات و تجارت آن، به دلیل تأثیراتی که در فرآیند تولید، افزایش اشتغال و ایجاد فرصت‌های جدید شغلی دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در دهه‌های اخیر اکثر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه توجه خود را به تغییرات ساختاری در این بخش معطوف ساخته‌اند. در مطالعه حاضر سعی شده است تا در قالب الگوی اقتصادسنجی، با استفاده از داده‌های دوره زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵، برای ۲۵ کشور اسلامی (به همراه ایران)، اثر باز بودن بخش خدمات (رشد سهم تجارت در تولیدات بخش خدمات)، بر رشد اقتصادی این کشورها مورد بررسی قرار گیرد. نتایج به دست آمده از تخمین مدل کلان، تأییدکننده وجود ارتباط مثبت و معنادار بین باز بودن خدمات و رشد اقتصادی کشورهای اسلامی است.

واژه‌های کلیدی: خدمات؛ باز بودن؛ رشد اقتصادی؛ تجارت خدمات؛ کشورهای اسلامی

طبقه‌بندی JEL: F13 ;F43 ;L88

* مسئول مکاتبات، پست الکترونیکی: majix777@yahoo.com

** پست الکترونیکی: kyavari@gmail.com

*** پست الکترونیکی: basakha@gmail.com

۱. مقدمه

از اواخر قرن بیستم میلادی، جهان دستخوش تحولات عمیقی در روابط سیاسی، اقتصادی و تجاری گردید. پس از پایان جنگ جهانی دوم، در زمینه تجارت بین‌المللی، اقدامات قابل توجهی صورت گرفت که از جمله مهم‌ترین آنها، پیشنهاد دولت آمریکا در سال ۱۹۴۵ مبنی بر تأسیس کنفرانس بین‌المللی برای تشکیل سازمان تجارت بین‌المللی^۱ بود. با توجه به این تلاش‌ها، سرانجام در سال ۱۹۴۸ پیش‌نویس منشور تجارت جهانی تهیه شد. از جمله بخش‌های این منشور، موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت^۲ (گات) بود که با هدف توسعه تجارت از طریق کاهش و حذف موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تجارت، تصویب و نهایی شد.

در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ بحث تجارت غیرکالایی، وارد حیطه بازرگانی بین‌المللی شد؛ که بارزترین نمونه آن، تجارت خدمات بود. ارزش افزوده بالای حاصل از خدمات، از یکسو و وابستگی تجارت جهانی کالاها به خدمات از سوی دیگر، منجر به توجه روزافزون به این بخش گردید. چنین نیازی در سطح مبادلات بین‌المللی، به همراه دیگر مشکلات ساختاری نهاد گات، نظیر تقویت و توسعه سیستم‌های چندجانبه در دور اروگوئه، منجر به تشکیل سازمان تجارت جهانی^۳ شد.^۴

سازمان تجارت جهانی برخلاف گات، به حوزه تجارت خدمات و دارایی‌های فکری نیز توجه داشته و در حال حاضر موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات^۵ (GATS) اولین و تنها مجموعه مقررات چندجانبه حاکم بر تجارت بین‌المللی خدمات به حساب می‌رود. این موافقت‌نامه در دور اروگوئه مورد توافق قرار گرفته و رشد چشمگیر خدمات طی سال‌های اخیر را به دنبال داشته است.

در کنار بحث سازمان تجارت جهانی، که به مقوله خدمات تأکید ویژه‌ای داشته و موافقت‌نامه‌هایی را جهت تسهیل تجارت غیرکالایی معرفی نموده است، اخیراً مباحث دیگری در زمینه تعاملات بین‌الملل مطرح گردیده که مقوله همگرایی‌ها (در بعد جهانی و منطقه‌ای) از جمله مهم‌ترین این مباحث است. این موضوع سبب شده تا آزاد سازی‌های تجاری و همکاری‌های اقتصادی در قالب همگرایی‌های منطقه‌ای، روزبه‌روز در حال گسترش بوده و به‌طور مستمر بر تعداد این تشکلهای افزوده شود. باید توجه داشت که این موضوع منحصر به کشورهای

^۱ International Trade Organization (ITO)

^۲ General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

^۳ World Trade Organization (WTO)

^۴ برای اطلاعات بیشتر، به سازمان تجارت جهانی (۱۳۸۳) مراجعه شود.

^۵ General Agreement on Trade in Services (GATS)

در حال توسعه نبوده و کشورهای پیشرفته نیز از این موضوع غافل نمانده‌اند. ترتیباتی همچون نفتا،^۱ اتحادیه اروپا^۲ و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه،^۳ را می‌توان در جهت نیل به این مهم دانست. کشورهای اسلامی نیز با تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی^۴ و ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای، نظیر شورای همکاری خلیج فارس،^۵ اکو^۶ و گروه هشت کشور در حال توسعه (D8) در این مسیر گام برداشته‌اند. شرکت در این ترتیبات، تجارت درون گروهی اعضا را افزایش می‌دهد و کشورها را برای ادغام موفق‌تر در نظام جدید تجارت بین‌المللی آماده می‌سازد. بر خلاف بررسی گسترده آثار اقتصادی رشد تجارت، مطالعه اندکی راجع به آثار باز بودن^۷ تجارت خدمات روی رشد اقتصادی صورت گرفته است.^۸ البته این موضوع چندان عجیب نیست؛ چرا که تجارت خدمات، جنبه نوینی از توافقات تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی است که در دوره‌های اخیر سازمان تجارت جهانی مطرح شده و مورد توجه قرار گرفته است. اما شاید یکی از دلایل اصلی غفلت کشورهای مختلف از جدی گرفتن آزاد سازی تجارت خدمات، پوشیده ماندن منافع (و زیان‌های احتمالی) ناشی از آن است.^۹

با توجه به این موضوع، مطالعه حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا برداشتن محدودیت‌های مربوط به تجارت خدمات و ادغام هر چه بیشتر این بخش در کشورهای مورد مطالعه اسلامی، می‌تواند رشد اقتصادی این کشورها را تحت تأثیر قرار دهد یا خیر؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند نقش مهمی در اتخاذ سیاست‌های مؤثر در زمینه توسعه تجارت خدمات در میان کشورهای مورد مطالعه داشته باشد. بنابراین، فرضیه اصلی مطالعه را می‌توان این گونه طرح نمود که، باز بودن بخش خدمات و بالا بودن سهم تجارت، از کل تولیدات این بخش منجر به افزایش رشد اقتصادی خواهد گردید.

در مطالعه حاضر ابتدا آشنایی مختصری با موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات و شمای کلی از وضعیت بازار خدمات در جهان و کشورهای اسلامی ارائه می‌شود و در بخش سوم به مبانی نظری اثرهای آزاد سازی بخش خدمات می‌پردازد. بخش چهارم به شواهد تجربی تحقیق اختصاص دارد. بخش پنجم مقاله مروری گذار، بر مطالعات تجربی صورت گرفته در زمینه

^۱ North America Free Trade Area (NAFTA)

^۲ European Union (EU)

^۳ Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

^۴ Organization of the Islamic Conference (OIC)

^۵ Persian Gulf Cooperation Council (PGCC)

^۶ Economic Cooperation Organization (ECO)

^۷ Openness

^۸ El Khoury and Savidas (2006)

^۹ Hoekman (2006)

آزاد سازی خدمات و رشد اقتصادی داشته و در بخش ششم با معرفی الگوی اقتصادسنجی در قالب مدل کلان رشد، به بررسی کمی اثرهای باز بودن بخش خدمات بر رشد کشورهای اسلامی می‌پردازد. بخش پایانی مقاله نیز شامل نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی خواهد بود.

۲. موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (GATS)

خدمات، مشخصات منحصر به فردی دارد که قابلیت تجارت آن را تحت تأثیر قرار داده است. مهم‌ترین ویژگی‌های خدمات را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

لمس ناپذیری:^۱ این ویژگی باعث شده است تا نظارت، محاسبه و برقراری مالیات بر معاملات بین‌المللی خدمات بسیار پیچیده شود.

ذخیره ناپذیری:^۲ با توجه به این ویژگی، باید تولید و مصرف خدمات در زمان مشابه و مکان مشخصی اتفاق افتد.

تفکیک و تمایز:^۳ این ویژگی نیز از آنجا ناشی می‌شود که خدمات، اغلب با توجه به نیازها و سلايق مشتریان در مناطق مختلف عرضه می‌شود.

تولید مشترک:^۴ منظور از تولید مشترک، سهیم شدن و دخالت مستقیم مشتریان در فرآیند تولید خدمات است.

این ویژگی‌ها، سبب شده است که قوانین مربوط به تجارت کالایی، توانایی پاسخ‌گویی به تنگنایهای تجارت بین‌المللی خدمات را نداشته باشد. توافقنامه عمومی تجارت خدمات با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها، قوانین تجارت بین‌المللی خدمات (شامل بانکداری، ارتباطات، توریسم و سایر خدمات تخصصی) را شامل بوده و چهار روش را برای تجارت این خدمات تعریف می‌کند.^۵

- خدماتی که از سوی یک کشور به کشور دیگر عرضه می‌شود، که در زبان حرفه‌ای تجارت خدمات به آن "عرضه در آن سوی مرز"^۶ اطلاق می‌گردد. برای مثال، ممکن است یک مصرف‌کننده در کشور خود، خدماتی را از طریق ارتباطات، دریافت نماید که در خارج از آن کشور تولید شده باشد؛ این خدمات می‌تواند شامل تحقیقات بازار، مشاوره‌های پزشکی از راه دور^۷ و آموزش از راه دور باشد.

¹ Intangibility

² No Storability

³ Differentiation

⁴ Joint Production

⁵ Karsenty (2000), Kruger and Ito (2003)

⁶ Cross Border Supply

⁷ Tele-Medical Advice

- خدماتی که توسط مصرف‌کننده، در کشور دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به این نوع از خدمات اصطلاحاً "مصرف در خارج"^۱ گفته می‌شود. خدماتی را که به گردشگران، دانشجویان و بیماران خارجی ارائه می‌شود، می‌توان جزو این نوع از تجارت خدمات به شمار آورد.
 - در نوع دیگری از خدمات، شرکت‌های مختلف، برای عرضه خدمات خود به تأسیس شعبه یا شرکت‌های تابعه در سایر کشورها اقدام می‌نمایند، نمونه بارز این‌گونه از خدمات را می‌توان در بانکداری و هتلداری بین‌المللی، مشاهده کرد. این دسته از خدمات در اصطلاح تجارت بین‌الملل به "حضور تجاری"^۲ مشهور است.
 - دسته چهارم از تجارت، دربرگیرنده آن دسته از خدماتی است که در آن افراد به‌منظور ارائه خدمات، به سایر کشورها مسافرت می‌کنند. نمونه بارز این نوع از تجارت که به "حضور افراد عادی"^۳ مشهور است، مشاوران و رایزنان هستند.^۴
- در حالت کلی، خدمات را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم‌بندی نمود؛ خدماتی که به‌صورت محصول نهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد نظیر خدمات مسافرتی، پزشکی، آموزشی و ارتباطی و خدماتی که می‌توان آنها را به‌صورت یک ورودی، برای تولید سایر کالاها در نظر گرفت. (مانند خدمات مالی، مشاوره‌ای و سایر خدماتی که فرآیند تولید و بهره‌وری عوامل تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهند).
- دسته اول خدمات، همانند کالا به‌صورت بین‌المللی مورد تبادل و تجارت قرار گرفته و در نهایت تخصیص بهینه‌تری از عوامل تولید شکل می‌گیرد. اما معامله دسته دوم خدمات، به نحو دیگری بهره‌وری عوامل تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سه مشخصه اصلی این نوع از خدمات، یعنی امکان استفاده از صرفه‌های مقیاس، گرایش به ایجاد تمایز و مکمل بودن برای سایر خدمات، ابزاری هستند که توسعه بازار خدمات واسطه‌ای، کارایی تولید را به‌وسیله آنها افزایش می‌دهد.^۵

وضعیت بازار خدمات در جهان و کشورهای اسلامی

به درستی، امروزه تجارت خدمات، به‌عنوان موتور رشد اقتصادی جهان قلمداد می‌شود؛ به‌طوری که در طول دو دهه اخیر، تجارت خدمات در جهان، رشدی بیشتر از رشد تجارت کالا داشته است. سیاست‌های آزاد سازی و نیز رشد تکنولوژی (فناوری) در طول این

¹ Consumption Abroad

² Commercial Presence

³ Presence of Natural Persons

⁴ WTO (1995)

⁵ Itoh and Shimoi (2003)

مدت، زمینه تجارت بسیاری از خدمات را که در گذشته امکان آن وجود نداشت فراهم نموده است.^۱

آمارهای سال ۲۰۰۵ حکایت از این واقعیت دارد که بخش خدمات، دارای بیشترین نرخ رشد ۲/۷ درصد در اقتصاد جهانی بوده و حدود ۶۹ درصد ستاده، بیش از ۴۰ درصد اشتغال و نزدیک به ۲۰ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص داده است. همچنین، در طی سال‌های اخیر بیش از ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی اکثر کشورهای توسعه یافته در بخش خدمات صورت گرفته است؛ این رقم برای کشورهای در حال توسعه بین ۴۰ تا ۵۰ درصد گزارش شده است.^۲

آمارهای منتشره شده از توسط سازمان تجارت جهانی نشان می‌دهد در سال ۲۰۰۵، ارزش تجارت فرامرزی خدمات در حدود ۴۸۰۶ میلیارد دلار که ۲۰ درصد کل تجارت فرامرزی را تشکیل می‌دهد. انتظار می‌رود، اگر روند فعلی تا سال ۲۰۲۰ ادامه داشته باشد، تجارت خدمات در جهان، به سطح تجارت کالا برسد.

با مقایسه ارقام مربوط به تجارت خدمات در سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۵ مشاهده می‌شود که این بخش از تجارت جهانی، تقریباً رشد ۲۰۰ درصدی را تجربه کرده است. این موضوع در حالی رخ داده است که کشورهای در حال توسعه، بحران‌های مختلفی را در مسیر آزاد سازی و خصوصی سازی در طول این برهه از زمان تجربه نموده‌اند.

جدول ۱ ترکیب تجارت خدمات در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را در سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۵ نشان می‌دهد. با توجه به جدول ۱ مشاهده می‌شود که طی این مدت، سهم تجارت خدمات در بخش حمل و نقل و خدمات مسافرتی با کاهش مواجه شده است؛ این موضوع در حالی رخ داده که سهم تجارت خدمات در بخش مسافرتی کشورهای در حال توسعه با رشد ۲۶ درصدی، به ۲۰/۵ درصد کل تجارت خدمات رسیده است.

سایر بخش‌های خدمات در طول ۱۵ سال منتهی به سال ۲۰۰۵، از رشد مناسبی برخوردار بوده‌اند؛ به طوری که بخش تجارت خدمات مالی، از بالاترین میزان رشد برخوردار بوده و با بیش از ۶۰ درصد رشد نسبت به سال ۱۹۹۰، سهم خود را از کل تجارت خدمات جهانی به ۷/۵ درصد رسانده است.

¹ Nielson and Taglioni (2004)

² Word Development Indicator (WDI) (2007)

جدول ۱. روند در سهم انواع مختلف تجارت خدمات در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

کشورهای توسعه یافته	کشورهای در حال توسعه	جهان	سال	نماگرهای تجاری خدمات
۱,۴۰۲,۹۰۶	۲۲۹,۴۶۴	۱,۶۵۰,۳۷۰	۱۹۹۰	کل تجارت خدمات (میلیون دلار)
۳,۷۶۳,۴۵۴	۱,۰۴۲,۶۰۳	۴,۸۰۶,۰۵۷	۲۰۰۵	
۲۸/۳	۳۹/۵	۳۳/۹	۱۹۹۰	حمل و نقل (درصد کل)
۲۵/۶	۲۶/۸	۲۶/۲	۲۰۰۵	
۳۱/۳	۱۶/۳	۲۳/۸	۱۹۹۰	مسافرتی (درصد کل)
۲۵/۷	۲۰/۵	۲۳/۱	۲۰۰۵	
۴/۱	۵/۵	۴/۸	۱۹۹۰	مالی (درصد کل)
۷/۳	۷/۷	۷/۵	۲۰۰۵	
۳۶/۳	۳۴/۵	۳۵/۴	۱۹۹۰	ارتباطات (درصد کل)
۴۱/۴	۳۵/۶	۳۸/۵	۲۰۰۵	

مأخذ: بانک جهانی، نماگرهای توسعه جهانی (WDI) (۲۰۰۷)

در کنار افزایش نقش خدمات در تولید ناخالص اغلب کشورهای جهان (به‌ویژه کشورهای توسعه یافته)، تغییرات مربوط به عرضه و تقاضای خدمات نیز نقش انکارناپذیری را در رشد چشمگیر تجارت خدمات در عرصه بین‌الملل داشته است. پیشرفت‌های فنی و تجاری، سبب شده است تا شرکت‌های مختلف بتوانند، خدمات خود را با قیمت‌های پایین‌تر و کیفیت بهتر ارائه نمایند. از سوی دیگر، افزایش درآمد و افزایش تقاضا برای خدمات واسطه (در نتیجه افزایش کار حرفه‌ای در تولید)، منجر به افزایش تقاضا برای تجارت خدمات شده است.^۱

طبق آمار صندوق بین‌المللی پول، در سال ۲۰۰۵، ایالات متحده آمریکا با داشتن بیش از ۳۵۰ میلیارد دلار صادرات و ۲۸۱ میلیارد دلار واردات، بزرگ‌ترین کشور وارد و صادرکننده خدمات بوده است. در میان کشورهای اسلامی نیز ترکیه با صادراتی به میزان ۲۵/۵ میلیارد دلار، بیشترین میزان صادرات خدمات را به خود اختصاص داده است. کشورهای مالزی و مصر نیز به ترتیب با صادر نمودن بیش از ۱۹/۴ و ۱۴/۴ میلیارد دلار در رتبه‌های بعدی جای داشته‌اند. در بخش واردات خدمات نیز اندونزی به‌عنوان پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان، با ۲۳/۵ میلیارد دلار واردات، بالاترین جایگاه، و کشورهای مالزی و عربستان نیز به ترتیب با ۲۱/۵ و ۱۴/۲ میلیارد دلار، در رتبه‌های بعدی قرار داشته‌اند (جدول ۲).

^۱ Itoh and Shimoi (2003)

در سال ۲۰۰۵ مجموع صادرات خدمات کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بیش از ۱۱۹/۱ میلیارد دلار بوده است که نسبت به سال قبل ۱۰/۳ درصد رشد نشان می‌دهد. این میزان صادرات در حدود ۴/۵ درصد کل صادرات خدمات جهان را شامل می‌گردد. واردات خدمات در کشورهای اسلامی در این سال با ۲۷ درصد افزایش مواجه بوده و به ۱۳۸/۱ میلیارد دلار رسید. سهم کشورهای اسلامی در واردات خدمات جهان نیز تقریباً مشابه صادرات است. بنابراین تجارت خدمات کشورهای اسلامی با کسری ۱۹ میلیارد دلاری مواجه بوده است.

با توجه به تمرکز غالب کشورهای اسلامی در منطقه خاورمیانه، بخش عمده‌ای از صادرات خدمات کشورهای OIC، مربوط به این منطقه بوده است. حدود ۴۶/۱ درصد کل صادرات خدمات کشورهای اسلامی که بیش از ۵۴/۸ میلیارد دلار است، از طریق کشورهای اسلامی این منطقه صورت گرفته است. کشورهای آسیای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، با اختصاص دادن بیش از ۳۶/۵ درصد از کل صادرات خدمات کشورهای اسلامی، رتبه دوم را از این نظر به خود اختصاص داده‌اند.

در واردات خدمات نیز کشورهای اسلامی آسیا و کشورهای خاورمیانه، به ترتیب با وارد نمودن بیش از ۶۳/۲ و ۳۲/۹ میلیارد دلار خدمات، سهم غالب (۶۳/۳ درصد) واردات خدمات توسط کشورهای اسلامی را کسب کرده‌اند.

جدول ۲. بزرگ‌ترین کشورهای اسلامی صادر و واردکننده خدمات در سال ۲۰۰۵

(میلیون دلار)

صادرکنندگان	میزان صادرات	واردکنندگان	میزان واردات
ترکیه	۲۵,۵۵۲	اندونزی	۲۳,۵۱۵
مالزی	۱۹,۴۶۲	مالزی	۲۱,۵۷۰
مصر	۱۴,۴۴۸	عربستان	۱۴,۲۴۰
اندونزی	۱۲,۵۷۰	ترکیه	۱۰,۶۹۷
لبنان	۱۰,۷۴۰	مصر	۹,۵۰۷
مراکش	۷,۵۷۰	لبنان	۷,۸۳۸
عربستان سعودی	۵,۹۱۶	کویت	۷,۵۷۰
نیجریه	۴,۱۶۳	قزاقستان	۷,۴۰۳
تونس	۳,۸۸۳	نیجریه	۷,۳۲۱
کویت	۳,۷۹۰	پاکستان	۷,۱۹۷

مأخذ: بانک جهانی، نماگرهای توسعه جهانی (WDI) (۲۰۰۷) (اطلاعات ایران برای سال مذکور موجود

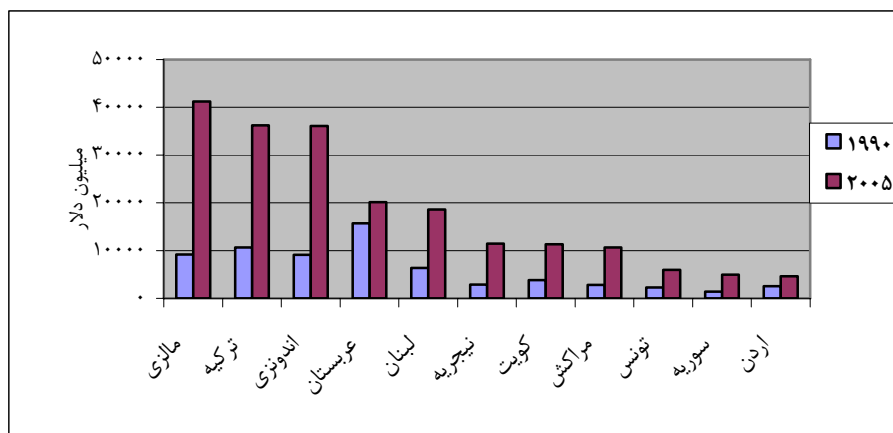
نیست)

بررسی ترکیب تجارت خدمات در کشورهای اسلامی^۱ نشان می‌دهد که توریسم و مسافرت، مهم‌ترین نقش را در صادرات خدمات این کشورها داشته است. بخش توریسم و مسافرت این کشورها در سال ۲۰۰۵، بیش از ۴۹/۶ میلیارد دلار صادرات خدمات داشته است که این میزان بیش از ۴۲ درصد کل صادرات خدمات این کشورها را تشکیل می‌دهد. حواله و پرداخت‌های خصوصی مربوط به مهاجران (با ۲۱ درصد) و خدمات مربوط به حمل و نقل (با ۲۰/۶ درصد)، بخش‌هایی هستند که در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

وضعیت کشورهای اسلامی در بخش واردات خدمات، کاملاً برعکس است. خدمات حمل و نقل، با ۳۲/۳ درصد و "سایر خدمات" شامل خدمات مالی و ارتباطات، با ۲۶/۰ درصد، بیشترین سهم را در واردات خدمات این کشورها تشکیل می‌دهند.

مقایسه آمارهای مربوط به تجارت خدمات در سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۵ نشان می‌دهد که برخی از کشورهای اسلامی در مقوله تجارت خدمات بسیار فعال عمل نموده و از رشد مناسبی در این زمینه برخوردار بوده‌اند. در میان کشورهای اسلامی، مالزی، ترکیه، اندونزی و لبنان از جمله کشورهایی هستند که توانسته‌اند موفقیت‌های خوبی را در زمینه توسعه ظرفیت‌های تجارت خدمات به دست آورند. نمودار ۱ میزان تجارت خدمات کشورهای منتخب اسلامی را برای سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۵ نشان می‌دهد.

نمودار ۱. مقایسه تجارت خدمات کشورهای اسلامی در سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۵



مأخذ: بانک جهانی، نماگرهای توسعه جهانی (WDI) (۲۰۰۷)

^۱ ICDT, Trade Among the OIC Members States (2007)

۳. مبانی نظری

بدون شک یکی از جنبه‌های مهم همکاری‌های اقتصادی و فنی میان کشورهای مختلف، تجارت در بخش خدمات است. این اهمیت در سال‌های اخیر افزایش یافته و نقش پررنگ‌تری در مناسبات بین‌المللی به خود گرفته است؛ چرا که خدمات بسیار ناهمگن بوده و گستره وسیعی از فعالیت‌های اقتصادی را شامل می‌شوند. گوناگونی خدمات، این رابطه اساسی را در ذهن متبادر می‌سازد که خدمات، عهده‌دار تنظیم روابط اقتصادی، برای نیل به رشد هستند و می‌توان آن را به‌عنوان یک نهاد تولید در نظر گرفت. یکی از ابعاد این تعریف را می‌توان در آن دانست که خدمات، تعاملات اقتصادی را با تحت تأثیر قرار دادن فاصله (خدمات حمل و نقل و ارتباطات) و زمان (خدمات مالی و ارتباطات) متأثر می‌سازد.^۱ جنبه دیگر آن نیز، ورود خدمات به‌صورت درون‌داد در فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه متأثر نمودن بهره‌وری دو عامل تولید نیروی کار و سرمایه است. برای مثال، آموزش، بهداشت و تحقیق و توسعه را می‌توان نمونه‌ای از خدماتی دانست که برای تولید سرمایه انسانی، نوعی نهاد محسوب می‌شوند.

در نظریات اقتصادی، رشد غالباً تابعی از افزایش کمی نهاده‌ها و یا بهره‌وری عوامل تولید در نظر گرفته شده است، که در بلندمدت به‌وسیله رشد و توسعه فناوری، به آرامی افزایش می‌یابد. این نظریات، جایگاه خاصی برای بخش خدمات (بجز خدمات مالی) قایل نیستند. اولین نظریه‌ای که درباره اهمیت نقش خدمات ارائه گردید، از سوی گلداسمیت^۲ (۱۹۶۹) بود که بر نقش خدمات مالی، در سوق دادن سرمایه‌ها به سمتی که بهترین بهره‌وری را داشته باشند، تأکید داشت. وی معتقد است اگر تجارت خدمات، به‌صورت بین‌المللی اتفاق افتد، تکه‌تکه شدن فرآیند تولید، کارایی را در نتیجه صرفه‌های مقیاس، افزایش داده و این موضوع نیز به نوبه خود بهره‌وری و رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.^۳

در یک مدل رقابت انحصاری (وجود صرفه‌های مقیاس و تمایز میان محصولات)، خدمات نقش مهمی در افزایش کارایی تولید دارند. اگر خدمات، متمایز و قابل تجارت باشند، قیمت آن کاهش خواهد یافت؛ این کاهش تنها به‌دلیل صرفه‌های ناشی از مقیاس نبوده و حرفه‌ای شدن تولیدکنندگان خدمات، در نتیجه وجود رقابت و ایجاد تمایز نیز در آن مؤثر خواهد بود. به‌علاوه این موضوع سبب افزایش کارایی خدمات نوین و سنتی در نتیجه وابستگی خدمات به‌هم، خواهد شد.^۴ بررسی مدل‌های مختلف رشد اقتصادی نشان می‌دهد که تجارت خدمات، در هیچ کدام از نظریات، مورد توجه قرار نگرفته و درباره کل تجارت نیز نظرهای متفاوتی وجود دارد. در مدل

^۱ Melvin (1989)

^۲ Goldsmith

^۳ Jones and Kierzkowski (1990)

^۴ Krugman (1990)

رشد اقتصادی نئوکلاسیک، تجارت تأثیری بر تعادل و نرخ رشد اقتصادی ندارد، چرا که فرض این مدل آن است که رشد به وسیله فرآیندهای فناوری برونزا تعیین می‌شود. در یک مدل دو بخشی نئوکلاسیک، سیاست‌های تجاری، تخصیص منابع میان بخش‌های مختلف و در نتیجه، سطح تعادلی پس‌انداز و انباشت سرمایه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تأثیرگذاری، یک سویه بوده و تنها تولید کل تعادلی در اقتصاد را تغییر می‌دهد و اثری بر نرخ رشد اقتصادی ندارد.

در مدل‌های رشد درونزا، آزاد سازی تجارت می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی روی رشد اقتصادی داشته باشد. هنگامی که تغییر سیاست‌های تجاری، تخصیص منابع را به صورت بهینه تغییر دهد، موجب تحریک فعالیت‌های اقتصادی و در نهایت، رشد اقتصادی خواهد شد؛ در غیر این صورت نباید از سیاست‌های تجاری انتظار تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی را داشت. برای مثال اگر آزاد سازی تجارت، باعث جابه‌جایی منابع از بخش کشاورزی به بخش صنعت گردد، هنگامی می‌توان انتظار رشد اقتصادی بلندمدت داشت که این جابه‌جایی، منجر به ایجاد صرفه‌های خارجی و تولید دانش (که از عوامل اصلی رشد در این مدل هستند) گردد. بنابراین در این مدل، تأثیر سیاست‌های آزاد سازی اقتصادی، امری تجربی بوده و نیاز به آزمون خواهد داشت.

یک تفاوت کلیدی که میان تأثیر تجارت "کالاها" و "خدمات" بر رشد اقتصادی وجود دارد، آن است که در حالت کلی، "واردات" خدمات باید به صورت محلی^۱ صورت گیرد؛ به عبارت دیگر باید ارائه‌کنندگان خدمات در محل حاضر باشند. حضور عوامل تولید خارجی به همراه ایجاد فضای رقابتی در اقتصاد داخلی، منجر به افزایش فعالیت‌های اقتصادی شده و آثار قابل توجهی بر رشد اقتصادی خواهد داشت. اما اگر این حضور عوامل خارجی به معنی جانشینی با عوامل تولید داخلی باشد، هیچ نوع تغییری در میزان رقابت بازار به وجود نیامده و تأثیری بر رشد نیز نخواهد داشت.^۲

نکته‌ای که باید در تجارت خدمات در نظر داشت، ورود فناوری، در نتیجه واردات خدمات است. واردات حتی اگر هیچ نوع تغییری در ساختار بازار محصول و عوامل تولید ایجاد نکند، با خود یکی از منابع رشد اقتصادی، یعنی فناوری را وارد کشور میزبان خواهد نمود. از سوی دیگر، تجارت خدمات، ارتباط عمیقی با تجارت و سرمایه‌گذاری سنتی داشته و توسعه این نوع از تجارت، در گام بعدی منجر به افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری در کالاها نیز خواهد گردید. همچنین، آزاد سازی و فراهم نمودن زمینه‌های گسترش تجارت خدمات، کارایی و بهره‌وری عوامل تولید را افزایش داده و زمینه‌های رشد اقتصادی را فراهم خواهد نمود. مطالعات تجربی

^۱ Local

^۲ Hoekman and Javorcik (2006)

فراوانی درباره تأثیر مثبت تجارت خدمات بر ورود فناوری به کشورهای مختلف وجود دارد.^۱ بنابراین حداقل از لحاظ نظری این موضوع باید درباره گسترش فناوری از طریق عوامل تولید نیز صادق باشد.

با توجه مبانی نظری می‌توان عنوان کرد که، چگونگی تأثیر تجارت خدمات و افزایش بهره‌وری ناشی از آن در رشد و توسعه اقتصادی از مهم‌ترین سؤالات درباره تجارت خدمات است.

۴. شواهد تجربی

هزینه‌ها و منافع آزاد سازی و رشد تجارت، با استفاده از معیارهای مختلفی مورد مطالعه قرار گرفته است. سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی کشور، میزان تعرفه‌ها و سهمیه‌ها بر روی تجارت کالاها و خدمات و یا شاخص‌های کیفی آزادی تجاری، از جمله مواردی بوده‌اند که عمدتاً از آنها به‌عنوان معیارهای آزادی و باز بودن بخش تجارت خارجی در یک اقتصاد، استفاده شده است. به‌طور کلی یافته‌ها حاکی از آثار مثبت تجارت بین‌الملل، روی اقتصاد داخلی کشورهای مختلف است.^۲ با وجود این، دیدگاه‌های مخالفی نیز درباره تأثیرات مثبت تجارت بین‌الملل بر رشد اقتصادی وجود دارد.^۳

بر خلاف بررسی گسترده آثار اقتصادی رشد تجارت، مطالعه اندکی راجع به آثار باز بودن تجارت خدمات بر روی رشد اقتصادی صورت گرفته است.^۴ البته این موضوع چندان عجیب نیست؛ چرا که تجارت خدمات جنبه نوینی از توافقات تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی به‌شمار می‌رود که در دوره‌های اخیر سازمان تجارت جهانی مطرح شده و مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به جدید بودن موضوع، نتایج تجربی درباره تأثیر آزاد سازی تجارت خدمات بر متغیرهای اقتصادی به‌ویژه رشد، بسیار ناچیز بوده و ادبیات موجود، در مورد رابطه بین خدمات و رشد اقتصادی اغلب بر بخش مالی متمرکز است.

کینگ و لوین^۵ (۱۹۹۳) معتقدند که خدمات مالی می‌تواند رشد اقتصادی را از طریق افزایش تجمع سرمایه و ایجاد نوآوری فنی تحت تأثیر قرار دهد. برای بررسی صحت این موضوع، آنها با کنترل نمودن سایر عوامل اثرگذار بر رشد بلندمدت، معیارهای توسعه بخش مالی، نظیر نسبت بدهی‌های سیستم مالی به تولید ناخالص داخلی و نسبت مطالبات ناخالص بخش

^۱ Hoekman and Javorcik (2006), Konan and Maskus (2006), and Copeland and Matoo (2004) and Whalley (2004)

^۲ Dollar (1992), Frankel and Romer (1999) and Konan and Van Assche (2007)

^۳ Rodriguez and Rodrik (2001)

^۴ El Houry and Savidas (2006)

^۵ King and Levin

خصوصی به GDP را به مدل اضافه نمودند. نتایج به دست آمده بیانگر تأثیر مثبت و معنادار این شاخص‌ها بر رشد بود.

فرانسیس و اسچوکنک^۱ (۱۹۹۹) رشد سرانه تولید ناخالص داخلی را روی شاخص‌های درجه باز بودن تجاری، نسبت تمرکز بخش مالی و برخی متغیرهای کلان اقتصادی برآورد نمودند. نتایج نشان داد که رابطه مثبتی بین رشد و رقابت بخش مالی وجود دارد.

دیردورف^۲ (۲۰۰۱) نشان داد که آزاد سازی تجارت در بخش خدمات، نه تنها باعث تحریک فعالیت در بخش خدمات می‌شود، بلکه منجر به بهبودی در تجارت کالا نیز خواهد شد. اساس بحث دیردورف بر این نکته استوار بود که تجارت کالا، نیازمند خدمات بازرگانی (نظیر حمل و نقل، بیمه و خدمات مالی) است؛ بنابراین ترفیع تجارت جهانی خدمات، با کاهش هزینه‌ها و رفع موانع، افزایش تجارت کالا را به دنبال خواهد داشت.

در مطالعه تجربی دیگری که رولر و ویورمن^۳ (۲۰۰۱)، انجام دادند، ارتباط میان رشد اقتصادی و خدمات ارتباطی در ۲۱ کشور عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) بررسی و تحلیل شد. آنها نشان دادند که تجارت در بخش خدمات منجر به شکل‌گیری زیرساخت‌های ارتباطی در این کشورها شده و تأثیر مثبت و قابل توجهی در رشد اقتصادی این کشورها ایفا نموده است.

یکی از شاخص‌ترین کارهایی که در زمینه تجارت خدمات انجام گرفته است، مطالعه ماتو و همکاران^۴ (۲۰۰۱) است در کار مشترکی برای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، شاخص آزاد سازی تجارت خدمات را برای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه محاسبه کرده‌اند.

این مطالعه، کشورهای مختلف را با محاسبه شاخص باز بودن خدمات مالی و ارتباطاتی امتیازبندی می‌کند. شاخص باز بودن مالی و ارتباطات که رتبه کشورها را از نظر آزاد سازی تجارت خدمات مشخص می‌کند، بین دو عدد ۱ (بسته‌ترین) و ۹ و ۸ (به ترتیب بازترین کشور در بازار خدمات ارتباطات و خدمات مالی) قرار دارد. طبق این مطالعه در سال مزبور، کشورهایی مانند آمریکا، انگلستان، سوئد، ترکیه، آلمان با کسب امتیاز ۸، بازترین کشورهای جهان از لحاظ آزاد سازی خدمات مالی بوده‌اند. در همین سال کشورهایی مانند برزیل، پاکستان، سریلانکا، تایلند و بنین در پایین جدول قرار گرفته و کمترین درجه باز بودن مالی را داشته‌اند.

همچنین از لحاظ شاخص آزاد سازی خدمات ارتباطاتی نیز کشورهای توسعه یافته‌ای همچون آلمان، فرانسه، انگلستان، آمریکا و کشورهای در حال توسعه‌ای مانند مالزی، هنگ‌کنگ و فیلیپین

^۱ Francois and Schuknecht

^۲ Deardorff

^۳ Roller and Waverman

^۴ Mattoo et al.

با کسب امتیاز ۹ بازترین کشورهای جهان از نظر شاخص باز بودن خدمات ارتباطات بوده‌اند. ایران، نیجر، کنیا، بورکینافاسو، ترکیه، و سوریه نیز از جمله کشورهای محسوب می‌شوند که در پایین جدول قرار گرفته و کمترین درجه را از لحاظ آزاد سازی خدمات ارتباطات راه دور داشته‌اند.

ماتو و همکارانش پس از محاسبه شاخص‌های آزاد سازی خدمات، بر آثار مثبت این آزاد سازی بر رشد اقتصادی تأکید می‌نمایند. آنها با بررسی اثر آزاد سازی دو بخش خدمات مالی و ارتباطات، مطرح کردند که با ثابت در نظر گرفتن سایر عوامل، کشورهایی که در مسیر آزاد سازی تجارت در این دو بخش اقدام نموده‌اند، به‌طور میانگین یک درصد بیشتر از سایر کشورها رشد داشته‌اند. همچنین آزاد سازی کامل تجارت خدمات مالی و ارتباطات در کشوری، میانگین رشد اقتصادی آن را به ۱/۵ درصد بیشتر از سایر کشورها افزایش خواهد داد.

ایشنباخ و هوکمن^۱ (۲۰۰۶) با استفاده از سه شاخص کیفی "سیاست بانکداری، خدمات مالی غیر بانکی و خدمات مربوط به زیرساخت‌ها" که توسط بانک ترمیم و توسعه اروپا^۲ (EBRD) تعریف شده است، به بررسی آثار تغییر در سیاست‌های مربوط به آزاد سازی خدمات در ۲۰ کشور در حال توسعه پرداختند. آنها دریافتند، سیاست‌هایی را که گرایش به سمت توسعه خدمات مالی و زیرساخت‌ها (شامل ارتباطات، انرژی و حمل و نقل) دارند، به‌شدت با جذب سرمایه‌گذاری خارجی همبسته‌اند. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد که اصلاح سیاست‌های مربوط به بخش خدمات متغیر توضیحی معناداری برای رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه است.

الخوری و ساویدس^۳ (۲۰۰۶) با استفاده از شاخص‌هایی که ماتو و همکارانش در سال ۲۰۰۱ محاسبه کردند، به بررسی تأثیر آزاد سازی تجارت خدمات بر رشد اقتصادی کشورهای مختلف پرداختند. محققان که از داده‌های مختلف، به‌صورت میانگین برای دهه ۹۰ استفاده نمودند، با تقسیم‌بندی کشورهای مختلف به دو دسته درآمد بالا و درآمد پایین، تأثیر آزاد سازی تجارت خدمات در بخش‌های مالی و ارتباطات را بر رشد اقتصادی این کشورها بررسی کرده‌اند. آنها تأثیر این دسته‌بندی را مفید دانسته و عنوان می‌نمایند که آزاد سازی تجارت در بخش خدمات ارتباطی، تأثیر مثبت و آزاد سازی تجارت در بخش مالی، تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد پایین داشته؛ در حالی که وضعیت برای کشورهای با درآمد بالا کاملاً متفاوت بوده است.

آرنولد و همکاران^۴ (۲۰۰۶) در مطالعه بنگاه‌های جمهوری چک بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳، به تحلیل آثار اجازه ورود به ارائه‌کنندگان خدمات خارجی، بر کارایی بنگاه‌های داخلی

¹ Eschenbach and Hoekman

² European Bank for Reconstruction and Development

³ El Houry and Savvides

⁴ Arnold et al.

پرداختند. آنان حضور شرکت‌های خدماتی خارجی (به‌عنوان شاخصی برای اصلاح سیاست‌های بخش خدمات) را عاملی تأثیرگذار بر افزایش بهره‌وری عوامل تولید در بنگاه‌های داخلی یافتند. آرنولد و همکاران^۱ (۲۰۰۷) با استفاده از داده‌های تابلویی مربوط به سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ و ۱۰,۰۰۰ شرکت هندی، به آزمون وجود رابطه میان اصلاحات بخش خدمات، تولیدات صنعتی و میل به صادرات پرداختند. این مطالعه که در جهت بررسی تأثیر سیاست‌های مربوط به اصلاح بخش خدمات در هند صورت گرفت، نشان داد که اقدام به انجام حذف محدودیت‌های ورود بخش خصوصی به بازار بخش ارتباطات و حمل و نقل و نیز حذف تدریجی موانع ورود شرکت‌های خارجی به بخش‌های بیمه و بانک، توسط دولت هند، به شدت بر روی جذب سرمایه‌گذاری خارجی مؤثر بوده است. با بررسی تأثیر چنین سیاست‌هایی، محققان بر وجود رابطه مثبت و قوی میان اصلاحات دولت هند در بخش حمل و نقل، ارتباطات و بانکداری و بهره‌وری بنگاه‌های صحنه گذاشتند.

زاغیان و عسگری (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای که با عنوان "تأثیر آزاد سازی تجارت خدمات مالی بر رشد اقتصادی ایران" انجام دادند، فرآیند آزاد سازی تجارت خدمات را به دو مرحله آزاد سازی مالی و گشایش بازارهای مالی داخلی به روی بازارهای خارجی تقسیم می‌نمایند. آنها با اشاره به سهم ۰/۱۲ درصدی ایران از تجارت خدمات مالی، جایگاه ایران را نامناسب ارزیابی می‌کنند. نتایج تخمین مدل اقتصادسنجی که محققان برآورد نموده‌اند، نشان می‌دهد که کشش رشد اقتصادی، نسبت به شاخص آزادسازی تجارت خدمات مالی (برآورد شده توسط ماتو در سال ۱۹۹۹)، برابر با ۰/۹۹ درصد است. این ضریب بیانگر تأثیر مثبت آزاد سازی خدمات بر رشد اقتصادی است.

با توجه به مطالعات صورت گرفته در زمینه بررسی تأثیر آزاد سازی تجارت خدمات بر رشد اقتصادی، مشاهده می‌شود که تمامی این مطالعات از شاخص‌های کیفی آزاد سازی خدمات سود جسته و یا شاخص‌های مذکور را برای محاسبه یک شاخص کمی، مورد استفاده قرار داده‌اند. این شاخص‌ها، به‌رغم اینکه در محاسبه با مشکلات عدیده‌ای همراه هستند، تنها نتیجه سیاست‌های آزاد سازی تجارت خدمات را مورد ارزیابی قرار داده و نتیجه این سیاست‌ها، دور از نظر خواهد ماند. به‌طور کلی، استفاده از تقریب مناسب برای محاسبه آزاد سازی و باز بودن بخش خدمات را می‌توان یکی از مهم‌ترین مشکلات مربوط به مطالعات صورت گرفته در این زمینه دانست.

مطالعه حاضر برخلاف سایر مطالعات، از بررسی تأثیر فرآیند آزاد سازی و سیاست‌های مربوط به آن، صرف‌نظر کرده و نتیجه سیاست‌های گذشته دولت در مورد فراهم نمودن زمینه

^۱ Arnold et al.

تجارت آزاد در بخش خدمات را در مد نظر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، افزایش سهم تجارت خدمات در GDP این بخش، به عنوان نتیجه‌ای از تمام سیاست‌های آزاد سازی این بخش در گذشته قلمداد شده و از آن به عنوان متغیری که نشان‌دهنده وضعیت کنونی باز بودن خدمات است، استفاده می‌شود.

۵. معرفی الگو و منابع اطلاعاتی

در بخش‌های قبلی، شمای کلی از وضعیت بازار خدمات ارائه و ادبیات مرتبط با موضوع ارائه شد. در این بخش، با کمی نمودن شاخص باز بودن بخش خدمات و استفاده از الگوهای اقتصادسنجی، تأثیر این آزاد سازی بر متغیرهای کلان اقتصادی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. خدمات به نوعی در زیرگروه اقتصاد ناملموس^۱ قرار داشته و این موضوع سبب شده تا تهیه شاخص‌های کمی برای این بخش چندان مورد توافق عمومی قرار نگیرد.

یکی از معیارهای شناخته شده برای تعیین آزاد سازی اقتصاد، محاسبه نسبت صادرات و واردات به تولید آن اقتصاد است، معیاری که از آن با عنوان باز بودن اقتصاد یاد می‌شود. با این توصیف، معیار تعیین اندازه باز بودن خدمات را نیز می‌توان از طریق شبیه سازی این شاخص، برای بخش خدمات به دست آورد. این شاخص بیانگر نسبت صادرات و واردات بخش خدمات (تجارت خدمات) به تولید ناخالص داخلی صورت گرفته در بخش خدمات خواهد بود. به عبارت دیگر، این شاخص در حالت کلی بیان می‌کند که بخش خدمات کشورهای مختلف تا چه اندازه‌ای در گستره جهانی خدمات ادغام شده است. همچنین این شاخص را می‌توان بیانگر نتایج سیاست‌های گذشته کشورهای مختلف در زمینه آزاد سازی تجارت خدمات دانست. در مدل‌های رشد اقتصادی نئوکلاسیک، وجود درآمد سرانه اولیه یکی از مواردی است که با توجه به آن همگرایی شرطی میان مقاطع مختلف مورد آزمون قرار می‌گیرد. بنابراین، مدل رشدی را که دربرگیرنده تأثیر باز بودن بخش خدمات باشد، چنین می‌توان در نظر گرفت:

$$G_{it} = \alpha + \beta \ln(IGDP_{it}) + \psi(SO) + \lambda X_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$i, t = 1, K, n$$

G_{jt} نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، $IGDP_{jt}$ درآمد سرانه اولیه، SO شاخص باز بودن بخش خدمات و X_{jt} بردار متغیرهای کنترل کننده رشد است. با توجه به تابع تولید نئوکلاسیک، رشد اقتصادی را می‌توان ناشی از رشد عوامل تولید و فناوری دانست. لذا:

^۱ Intangible

$$Y_{it} = A_{it} (K_{it})^{\alpha} (e_{it}L_{it})^{\beta}$$

A_{it} سطح فناوری، K_{it} موجودی سرمایه فیزیکی و $e_{it}L_{it}$ نیروی کار مؤثر است. مطالعات نظری و تجربی بسیاری با وارد نمودن متغیرهای مختلف، تأثیر آنها را بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار داده‌اند.

با توجه به مطالعات تجربی صورت گرفته به‌ویژه مطالعات الخوری و ساویدس (۲۰۰۶) و مطالعات ماتو (۲۰۰۱)، متغیرهای مورد استفاده برای برآورد اثر آزاد سازی خدمات بر رشد اقتصادی کشورهای اسلامی به شرح زیر تعریف می‌شود:

متغیر وابسته رشد اقتصادی: با توجه به وجود شاخص‌های مختلف، از رشد درآمد سرانه کشورهای مختلف، به‌عنوان معیاری برای محاسبه رشد اقتصادی آنها استفاده شده است. معیار باز بودن بخش خدمات^۱: شاخصی که با استفاده از نسبت تجارت خدمات به میزان تولید ارزش افزوده بخش خدمات در هر کشور محاسبه شده، به‌عنوان شاخص باز بودن بخش خدمات در نظر گرفته شده است.

تورم^۲: این شاخص، به نوعی وجود رابطه میان رشد اقتصادی و تورم را نشان می‌دهد. نسبت تشکیل سرمایه ناخالص داخلی به تولید^۳: این متغیر نیز با توجه به مطالعات تجربی مختلف و نقش مثبت انباشت سرمایه‌های فیزیکی در رشد اقتصادی، در مدل تصریح شده است. تولید ناخالص داخلی اولیه سرانه^۴: از تولید ناخالص داخلی سرانه سال اول هر دوره، برای آزمون شرط همگرایی (به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مدل رشد نئوکلاسیک) استفاده شده است. سرمایه انسانی - نرخ ثبت نام در دوره ابتدایی^۵: یکی دیگر از عوامل تولید که در تولید و رشد اقتصادی نقش قابل توجهی دارد، سرمایه انسانی است. متغیری که از آن به‌عنوان تقریب برای سرمایه انسانی استفاده شده، نرخ ثبت نام در دوره ابتدایی است. سهم هزینه‌های دولت در تولید ناخالص داخلی^۶: این متغیر نیز با توجه به نقش هزینه‌های دولت در تولید ناخالص داخلی وارد مدل گردیده است. سرمایه انسانی - امید به زندگی^۱: امید به زندگی به‌عنوان یکی از معیارهای بازگوکننده سرمایه انسانی در مدل تصریح شده است.

¹ Service Openness

² Inflation

³ Gross Capital Formation

⁴ Initial GDPP

⁵ Primary School Enrolment

⁶ Government Share in GDP

باز بودن اقتصاد:^۲ بازگوکننده نسبت تجارت در کل اقتصاد کشورهای مختلف است که به‌عنوان یکی از متغیرهای مؤثر بر رشد اقتصادی در مدل مورد توجه قرار گرفته است. آمار و اطلاعات شاخص‌ها و متغیرهای مورد نیاز جهت برآورد الگو از شاخص‌های توسعه جهانی^۳ در سال ۲۰۰۷ و سایت آماری کشورهای اسلامی^۴ گرفته شده و به خاطر پایداری و سازگاری در ارائه آمارها و نیز نبود برخی از اطلاعات برای این کشورها در سال‌های مختلف، سعی شده است تا اطلاعات متغیرها، به‌صورت متوسط، برای سه مقطع زمانی ۱۹۹۱-۱۹۹۵، ۱۹۹۶-۲۰۰۰ و ۲۰۰۱-۲۰۰۵ در نظر گرفته شوند. با توجه به محدودیت‌های آماری، در نهایت بعد از فیلتر کردن اعضا، از داده‌های ۲۵ کشور اسلامی برای تخمین الگو استفاده شد.

۶. تخمین و تفسیر نتایج الگو

با توجه به اینکه آمار برخی از متغیرها در دوره‌های متفاوت موجود نبوده است، آثار آزاد سازی بخش خدمات بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی تخمین الگو به روش داده‌های تابلویی نامتوازن^۵ صورت گرفت. با توجه به آزمون F، آثار گروه، پذیرفته شده و برای هر کدام از کشورها، عرض از مبدأ جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شود. نتایج آزمون هاسمن نیز نشان می‌دهد که آثار تصادفی^۶ رد و آثار ثابت^۷ برای عرض از مبداها پذیرفته می‌شود. به‌منظور بررسی وجود واریانس ناهمسانی بین گروهی از آزمون ضریب لاگرانژ^۸ استفاده شده که این آماره پس از تخمین اولیه‌ای که به‌صورت حداقل مربعات معمولی، با استفاده از داده‌های پنلی به‌دست می‌آید، محاسبه می‌گردد. این ضریب توزیع کای دو (با درجه آزادی تعداد کشورها) داشته و برای بررسی فرضیه مربوط به آن از این توزیع استفاده می‌شود. نتایج به‌دست آمده از محاسبه این شاخص دال بر رد فرضیه صفر و وجود ناهمسانی واریانس در میان کشورهای اسلامی است. وجود ناهمسانی واریانس در مقاطع، پراکندگی اجزای اخلال در میان کشورها را به‌دنبال داشته و استفاده از روش حداقل مربعات معمولی را ناکارآمد خواهد ساخت. استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته،^۹ بهترین روش برای تخمین مدل‌هایی است که با مشکل ناهمسانی واریانس مواجه هستند.

¹ Life Expectancy

² Openness

³ World Development Indicators (WDI)

⁴ Sesrtic Statistics (www.sesrtic.com)

⁵ Unbalanced Panel Data

⁶ Random Effects

⁷ Fixed Effects

⁸ Lagrange Multiplier (LM)

⁹ Generalized Least Square (GLS)

نتایج به دست آمده از برازش مدل اول نشان می‌دهد که: نخست آنکه، با توجه به ضریب تعیین مدل، متغیرهای توضیحی ملحوظ در مدل توانسته‌اند ۹۸ درصد تغییرات درآمد سرانه (رشد اقتصادی) را توضیح دهند. دوم آنکه، با توجه به نتایج تخمین مشاهده می‌شود که ضریب شاخص باز بودن بخش خدمات، برابر با ۰/۲۶ به دست آمده است که حاکی از وجود رابطه قوی و معنادار میان افزایش سهم تجارت از کل تولید ناخالص داخلی بخش خدمات با رشد اقتصادی کشورهای اسلامی است. علایم مربوط به نسبت تشکیل سرمایه داخلی به تولید ناخالص داخلی و سرمایه انسانی (نرخ ثبت نام در دوره ابتدایی) و نیز باز بودن کل اقتصاد، بیانگر رابطه مستقیم این متغیرها با رشد اقتصادی است؛ ضرایب متغیرهای مذکور به ترتیب، ۰/۳۳ درصد، ۰/۰۶ درصد و ۰/۰۳ درصد به دست آمده است. ضریب بالایی که برای متغیر نسبت تشکیل سرمایه به تولید ناخالص داخلی به دست آمده، بیانگر نقش قابل توجه سرمایه فیزیکی در اقتصاد کشورهای مورد مطالعه است.

با توجه به نتایج جدول ۳ مشاهده می‌شود که متغیرهای سهم هزینه‌های دولت از اقتصاد و تورم، تأثیری منفی بر رشد اقتصادی کشورهای اسلامی داشته‌اند. به ازای افزایش یک درصد در سهم هزینه‌های دولت از کل اقتصاد، رشد اقتصادی کشورهای اسلامی به میزان ۰/۰۶ درصد کاهش یافته است؛ بنابراین خصوصی‌سازی اقتصاد را می‌توان یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر رشد اقتصادی کشورهای مذکور دانست. متغیر دیگری که در مدل علامت منفی کسب کرده است، تورم است. ضریب به دست آمده برای این متغیر (۰/۰۲-)، بیانگر این موضوع است که نرخ تورم در طول دوره مورد بررسی، تأثیر چشمگیری در کاهش رشد اقتصادی کشورهای منتخب اسلامی داشته است.

علامت منفی که برای متغیر تولید اولیه سرانه به دست آمده است، از وجود همگرایی شرطی (هر چند با روندی کند) در رشد اقتصادی میان کشورهای مذکور حکایت دارد. به عبارت دیگر، تولید سرانه اولیه، منجر به کاهش رشد شده است.

در برازش دوم، مدل رشد اقتصادی (با لحاظ نمودن لگاریتم نرخ رشد GDP سرانه)، براساس متغیرهای اندازه دولت، نرخ تورم، باز بودن بخش خدمات، سرمایه انسانی، تشکیل سرمایه ناخالص فیزیکی و تولید اولیه سرانه تصریح گردید. نتایج به دست آمده از تخمین (به روش حداقل مربعات تعمیم یافته و آثار ثابت برآورد شده است)، حاکی از آن است که: اول آنکه، با توجه به ضریب تعیین ۰/۹۹، می‌توان قدرت توضیح دهنده مدل را مناسب ارزیابی و در سیاست‌گذاری بر نتایج مدل از این بند استناد کرد. دوم آنکه، تمامی ضرایب، علی‌رغم اینکه علامت‌هایی متناسب با مبانی نظری دارند، از نظر آماری از سطح معناداری بالایی نیز برخوردار هستند. با توجه به ضرایب حاصل از این تصریح نیز می‌توان بر نقش مثبت و معنادار باز بودن

جدول ۳. نتایج تخمین رگرسیون (متغیر وابسته: رشد درآمد سرانه)

متغیرهای توضیحی مدل	مدل اول	مدل دوم	مدل سوم
عرض از مبدأ	-۱۰/۹۲ (-۳/۴۸)	-۵/۹۲ (-۲/۲۸)	-۱۸/۷۸ (-۳/۵۰)
سهم مخارج دولت از کل اقتصاد	-۰/۰۶۵ (-۱/۹۶)	-۰/۰۹۴ (-۲/۰۷)	-۰/۱۳۹ (-۲/۶۷)
تورم	-۰/۰۲۰ (-۹/۴۵)	-۰/۰۱۹ (-۹/۱۱)	-۰/۰۱۹ (-۱۰/۲۲)
باز بودن بخش خدمات	۰/۰۲۶ (۳/۴۵)	۰/۰۳۶ (۵/۸۹)	۰/۰۲۸ (۴/۷۸)
تولید ناخالص اولیه سرانه	-۰/۰۰۰۸ (-۳/۰۹)	-۰/۰۰۰۸ (-۳/۰۲)	-۰/۰۰۱۰ (-۳/۹۲)
نرخ ثبت نام در مقطع ابتدایی	۰/۰۵۹ (۴/۷۳)	۰/۰۴۲ (۴/۰۴)	۰/۰۴۸ (۳/۵۳)
امید به زندگی	-	-	۰/۲۱ (۲/۵۴)
نسبت تشکیل سرمایه ناخالص به تولید ناخالص داخلی	۰/۳۳۰ (۶/۹۰)	۰/۳۰۷ (۶/۶۱)	۰/۳۰۲ (۵/۲۷)
بازبودن اقتصادی	۰/۰۳۲ (۲/۰۶)	-	-
R^2	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۴
Cross-section F	۱۱/۷۷ (prob = 0.00)	۱۷/۴۷ (prob = 0.00)	۶/۱۷ (prob = 0.00)
χ^2 هاسمن	۳۹/۱۶ (prob = 0.00)	۴۰/۱۷ (prob = 0.00)	۴۱/۰۴ (prob = 0.00)

بخش خدمات، بر رشد اقتصادی تأکید نمود. مشاهده می‌شود که ضریب شاخص باز بودن بخش خدمات (نسبت تجارت خدمات به تولید ناخالص بخش خدمات)، برابر با ۰/۳۶ گزارش شده است. در این تخمین نیز، تشکیل سرمایه فیزیکی، بیشترین تأثیر مثبت را بر رشد اقتصادی داشته است؛ به گونه‌ای که با یک درصد افزایش در سهم تشکیل سرمایه ثابت در تولید ناخالص داخلی کشورها، بیش از ۰/۳ درصد بر رشد درآمد سرانه افزوده شده است. این موضوع، سرمایه فیزیکی را به عنوان مهم‌ترین عامل رشد درآمد سرانه (و رشد تولید) در کشورهای

اسلامی مطرح نموده است. سرمایه آموزش (به نمایندگی از سرمایه انسانی) نیز در طول مدت مورد بررسی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد درآمد سرانه کشورهای اسلامی داشته است.

در کنار متغیرهای بالا، نرخ تورم و سهم دولت از اقتصاد، به صورت منفی بر رشد درآمد سرانه تأثیر گذاشته‌اند. به ازای هر یک درصد افزایش در نرخ تورم، $0/0017$ درصد از رشد درآمد سرانه کاسته شده است. این موضوع درباره اندازه دولت نیز صادق است و افزایش یک درصدی در اندازه دولت، منجر به کاهش $0/31$ درصدی رشد درآمد سرانه شده است.

در سومین تصریح که در آن از متغیر امید به زندگی نیز در کنار سرمایه آموزشی، به عنوان سرمایه انسانی استفاده شده، نتایجی مشابه دو تصریح قبلی به دست آمده است. مشاهده می‌شود که تمامی متغیرهای مدل از معناداری بالایی برخوردار بوده و متغیر مورد مطالعه (شاخص باز بودن بخش خدمات) بعد از سرمایه فیزیکی و سرمایه سلامت (امید به زندگی) دارای بیشترین تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب اسلامی بوده است (جدول ۳).

با توجه به نتایج کلی که از سه برازش مختلف الگو به دست آمد، در تأیید مطالعات صورت گرفته می‌توان بیان نمود که باز بودن بخش خدمات کشورهای اسلامی، نقش مثبت و معناداری در رشد اقتصادی آنها داشته است. در کنار این متغیر مشاهده می‌شود که تشکیل سرمایه فیزیکی در این کشورها، مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی آنها بوده است. ضریب به دست آمده برای متغیر سهم تشکیل سرمایه فیزیکی در تولید ناخالص داخلی در هر سه تصریح بیشترین میزان در میان سایر متغیرها بوده است. علاوه بر سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی (سرمایه آموزشی و سرمایه سلامت) نیز تأثیر مثبت و قابل توجهی در تقویت رشد اقتصادی داشته‌اند. آنچه از ضرایب به دست آمده برای سایر متغیرهای مدل می‌توان استنباط نمود، آن است که افزایش سهم دولت و رشد کنترل نشده قیمت‌ها، به ترتیب بیشترین تأثیر را در کاهش رشد اقتصادی کشورهای اسلامی داشته‌اند.

در کنار متغیرها اساسی مدل، درآمد سرانه اولیه نیز که از آن برای آزمون شرط همگرایی میان کشورها استفاده شد، معنادار بوده و از وجود همگرایی در میان کشورهای اسلامی حکایت دارد؛ هر چند این همگرایی روند کندی را در این دوره شاهد بوده است.

۷. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

خدمات از طرق مختلفی روی رشد اقتصادی تأثیرگذار بوده و گسترش حجم و تنوع تولیدات این بخش از ثمرات رشد اقتصادی (و پیش زمینه رشد بیشتر در سال‌های بعد) است. مطالعات مختلف نشان داده است که آزاد سازی تجارت در بخش خدمات، نقش مهمی در بهبود کارکرد

این بخش دارد. با توجه به این موضوع، کشورهای مختلف، سیاست‌های خود را به ایجاد اصلاحات در ساختارهای این بخش معطوف نموده‌اند.

برخلاف مطالعاتی که تأثیر فرآیند آزاد سازی تجارت خدمات را، بر شاخص‌های مهم اقتصادی برآورد نموده‌اند، مقاله حاضر، تأثیر وضعیت نهایی باز بودن بخش خدمات، بر رشد اقتصادی را بررسی کرده است. نتایج به دست آمده از تخمین مدل کلان رشد اقتصادی، بیانگر ارتباط مثبت و معنادار شاخص باز بودن بخش خدمات و رشد درآمد سرانه در کشورهای اسلامی است. در ضمن، کشورهای اسلامی منتخب به وسیله افزایش سهم تشکیل سرمایه در اقتصاد و توسعه شاخص‌های انسانی، توانسته‌اند رشد اقتصادی بیشتری را تجربه کنند. به علاوه تورم و سهم بالای دولت در اقتصاد، دو عامل تأثیرگذار در کاهش رشد اقتصادی کشورهای مورد اشاره بوده است.

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصادی کشورهای مورد بررسی، کمبود سرمایه فیزیکی است؛ چرا که این متغیر بالاترین تأثیر را بر رشد اقتصادی دارد و بیانگر آن است که کشورهای اسلامی از کمبود سرمایه انباشته در اقتصاد رنج می‌برند. بنابراین، افزایش سهم سرمایه فیزیکی در تولید را می‌توان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کشورهای مذکور برای نیل به رشد درآمدی بالا دانست.

نتایج مطالعه حاضر و سایر مطالعات تجربی صورت گرفته در زمینه تأثیر آزاد سازی بخش خدمات، اصلاح سیاست‌های دولت در زمینه بازار خدمات را ضروری می‌نماید. آنچه در این زمینه از اهمیت برخوردار است، ایجاد مزیت نسبی در تولید و صادرات خدمات، و نیز اصلاح ساختار بخش خدمات در جهت مشارکت حداکثری شرکت‌های خدماتی خارجی است. به عبارت دیگر، می‌توان تقویت ساختارهای قانونی بخش خدمات و برداشتن تبعیض‌های احتمالی میان شرکت‌های داخلی و خارجی را اولین و مهم‌ترین گام برای ورود شرکت‌های نوآور در زمینه خدمات و منتفع شدن از آثار مثبت تجارت خدمات دانست.

در مسیر آزاد سازی تجارت خدمات، نباید از تأمین زیرساخت‌هایی که موفقیت و افزایش نتایج مثبت این آزاد سازی را تقویت می‌نماید، غافل بود. توسعه منابع اطلاعاتی و ارتباطی، توسعه صنایع مرتبط (از جمله توریسم)، بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی، بهبود مهارت‌های زبانی در جهت ایجاد توانایی ارتباط در مناطق مختلف جهان و توجه ویژه به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از جمله عوامل کلیدی افزایش توان رقابتی کشور در بازارهای جهانی خدمات هستند.

بدیهی است با توجه به نتایج به دست آمده، کشورهای اسلامی برای نیل به رشد اقتصادی پایدار، نیازمند پذیرش اصول حاکم بر موافقت‌نامه عمومی خدمات (GATS) و آزاد سازی تدریجی و هر چه بیشتر بخش خدمات هستند. کشورهای عضو کنفرانس اسلامی می‌توانند با

ایجاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه، تعهدات مبنی بر آزاد سازی تجارت خدمات را اجرا نمایند و با دستیابی به بخش خدماتی رقابت‌پذیر، هر چه بیشتر به رشد تجارت درون گروهی و به تبع آن رشد متوازن اقتصادی نایل گردند. با توجه به این موضوع، می‌توان فراهم نمودن زمینه‌های حضور شرکت‌های خدماتی کشورهای اسلامی در بازارهای خدماتی سایر اعضا را از مهم‌ترین سیاست‌های خارجی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی دانست.

مآخذ

- سازمان تجارت جهانی. (۱۳۸۳). *شناخت سازمان تجارت جهانی*. ترجمه محمد جواد ایرانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.
- زاغیان، محمد، و عسگری، منصور. (۱۳۸۵). *تأثیر آزاد سازی تجارت خدمات مالی بر رشد اقتصادی ایران*. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.
- Arnold, M., Javorcik, B., & Mattoo, A. (2006). *The productivity effects of services liberalization: Evidence from the Czech Republic*. mimeo.
- Arnold, M., Javorcik, B., Lipscomb, M., & Mattoo, A. (2007). *Services reform and manufacturing performance: Evidence from India*. The World Bank, mimeo.
- Copeland, B., & Mattoo, A. (2004). *The basic economics of services trade and international negotiations course*. Washington D.C: The World Bank Group, 6.
- Deardoff, A. V. (2001). International provision of trade services, trade and fragmentation. *Review of International Economics*, 9(2), 223-248.
- Dollar, D. (1992). Outward-Oriented developing economies really do grow more rapidly: Evidence from 95 LDCs 1976–1985. *Economic Development and Cultural Change*, 40(3), 523-544.
- El Khoury, A. C., & Savvidas, A. (2006). Openness in services trade and economic growth. *Economic Letters*, 92(2), 277-283.
- Eschenbach, F., & Hoekman, B. (2006). *Services policy reform and economic growth in transition economies. 1990-2004*, CEPR Discussion Papers 5625.
- Francois, J. F., & Schuknecht, L. (1999). *Trade in financial services: Pro-competitive effects and growth performance*. CERP Discussion Paper 2144.
- Goldsmith, R. W. (1969). *Financial structure and development*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Hoekman B. (2006). *Trade in services, economic growth and development, and international cooperation: A survey of the literature*. Policy Research Working Paper 4598, the World Bank.
- Hoekman, B., & Javorcik, B. S. (2006). *Global integration and technology transfer*. Washington DC: Palgrave/McMillan & the World Bank.
- IMF (2007). *International financial statistics*, International Monetary Fund.
- Itoh, M. & Shimoi, N. (2003). *Services trade liberalization*. Pacific Economic Papers, 340.
- Jones, R. W., & Kierzkowski, H. (1990). The role of services in production and international trade: A theoretical framework. *The Political Economy of International Trade*, Oxford: Blackwell, 31-48.

- Karsenty, G. (2000). Assessing trade in services by mode of supply, In P. Sauve and R. Stern, (Eds). *GATS New directions in service trade liberalization*. Washington, D.C.: Brookings Institution, 487-508.
- King, R. G. & Levine, R. (1993). Finance entrepreneurship and growth: Theory and evidence. *Journal of Monetary Economics*, 32(3), 513-42.
- Konan, D., & Maskus, K. (2006). Quantifying the impact of services liberalization in a developing country. *Journal of Development Economics*, 81(1), 142-162.
- Konan, D., & Van Assche, A. (2007). Regulation, market structure and service trade liberalization. *Economic Modelling*, 24(6), 895-923.
- Krueger, A., & Ito, T. (2003). Introduction. In T. Ito and A. Krueger, (Eds). *Trade in services in the Asia-Pacific region*. Chicago: University of Chicago Press, 1-9.
- Krugman, P. R. (1990). *Rethinking international trade*. Cambridge MA and London: MIT Press.
- Mattoo, A., Rathindran, R., & Subramanian, A. (2001). *Measuring services trade liberalization and its impact on economic growth: An Illustration*. the World Bank Working Paper 2655.
- Melvin, J. (1989). Trade in producer services: A Heckscher-Ohlin approach, *Journal of Political Economy*, 97(5), 1180-1196.
- Nielson, J., & Taglioni, D. (2004). *Services trade liberalization: Identifying opportunities and gains*. OECD Trade Policy Working Papers 1, OECD Publishing.
- Rodriguez, F., & Rodrik, D. (2001). *Trade policy and economic growth: A skeptic's guide to cross national evidence*. NBER Macroeconomics Annual 2000. MIT Press, Cambridge, MA, 261-325.
- Roller, L. H. & Waverman, L. (2001). Telecommunications infrastructure and economic development: A simultaneous approach. *American Economic Review*, 91(4), 909-923.
- Whalley, J. (2004). Assessing the benefits to developing countries of liberalization in services trade. *The World Economy*, 27(8), 1223-53.
- World Bank. (1997). *World development report 1997*. Washington DC.
- World Bank. (2007). *World development indicators*. Washington DC.
- WTO. (1995). *GATS: Fact and fiction*. World Trade Organization. New York.

پیوست ۱. لیست کشورهای منتخب

-Mor	مراکش	-Aze	آذربایجان
-Moz	موزامبیک	-Bah	بحرین
-Nig	نیجر	-Egy	مصر
-Niga	نیجریه	-Guy	گوانا
-Oma	عمان	-Ind	اندونزی
-Pak	پاکستان	-Ira	ایران
-Sarab	عربستان	-Jor	اردن
-Syr	سوریه	-Kaz	قزاقستان
-Tog	توگو	-Kuw	کویت
-Tun	تونس	-Kyr	قرقیزستان
-Tur	ترکیه	-Mal	مالزی
-Yem	یمن	-mald	مالدیو
		-Mali	مالی